

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

نکاتی در رابطه با ماه مبارک رمضان و روزه‌داری

خدای تبارک و تعالی را شاکریم که ما را در ماه ضیافت خود وارد نمود و با تمام وجود از محضر ربوبی تقاضا داریم که ما را با امن و سلامت از این ماه خارج نماید. این ماه برای ما سالم بدارد و ما را نیز در این ماه سالم قرار بدهد «اللَّهُمَّ...وَسَلِّمْنا فِيهِ، وَسَلِّمْنا مِنْهُ، وَسَلِّمْنا لَنَا فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ»^[1] این ماه بمنزله امانتی است که خداوند متعال در اختیار ما قرار داده و در پایان این ماه از ما تحویل می‌گیرد. صرف نظر از توجهی که ما باید داشته باشیم، خود خدای متعال باید عنایت نماید که این ماه را چگونه و با چه اعمالی بگذرانیم.

رضوان خداوند متعال بر امام خمینی رحمة الله علیه که در مورد این ماه تعبیر «ضیافت» را به کار برد و ریشه آن در فرمایش پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله است. ما چه مقدار به ضیافت، آداب و شرائط آن توجه داریم؟ در این ضیافت اعمالی از قبیل روزه از ناحیه مهمان که ما هستیم برای افرادی که قدرت دارند باید انجام شود. علاوه بر این نماز، قرائت قرآن، دعا، مناجات، شب زنداری هم وجود دارد.

امام جواد علیه السلام در شب اول ماه مبارک رمضان دعایی بر حسب آنچه مرحوم سید در اقبال آورده و مرحوم محدث قمی نیز از ایشان نقل نموده است دارد که این دعا در مضامین دعا‌های دیگر نیز فراوان ذکر شده است. آن حضرت می‌فرماید: «اللَّهُمَّ يَا مَنْ يَمْلِكُ التَّدْبِيرَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَتُجِنُّ الضَّمِيرُ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ نَوَى فَعْمَلٍ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ شَقَى فَكْسَلٍ وَلَا مِمَّنْ هُوَ عَلَى غَيْرِ عَمَلٍ يَتَكَلَّلُ اللَّهُمَّ صَحِّحْ أْبْدَانَنَا مِنَ الْعِلَلِ وَأَعِنَّا عَلَى مَا افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا مِنَ الْعَمَلِ حَتَّى يَنْقُضِيَ عَنَّا شَهْرُكَ هَذَا وَقَدْ أَدَيْنَا مَفْرُوضَكَ فِيهِ عَلَيْنَا اللَّهُمَّ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ وَوَقَّفْنَا لِقِيَامِهِ وَنَشِطْنَا فِيهِ لِلصَّلَاةِ»

خداوند متعال باید ما را در انجام فرائض این ماه کمک نماید. گاهی ماه رمضان شروع شده و تمام می‌شود اما ملاحظه می‌شود که هیچ کدام از نماز شب‌های ماه رمضان را نخوانده‌ایم. باید بررسی شود که چقدر قرآن در ما نورانیت ایجاد می‌کند؟! در ابتدای ماه مبارک باید به این دعا توجه زیادی داشته باشیم.

برخی افراد با کوچکترین مناسبت و بهانه‌ای روزه گرفتن را ترک می‌کنند و به عنوان مثال می‌گویند زخم معده داریم!! البته در مواردی که خوف ضرر وجود دارد فقه اجازه نمی‌دهد و چه بسا آن روزه حرام باشد اما نباید در انسان این روحیه پیش آید که به راحتی تکلیفی را کنار بگذارد.

امام جواد علیه السلام در این دعا عرض می‌کند: خدایا من را از کسانی قرار بده که بعد نیت عمل را نیز انجام دهم. هر چند گاهی اوقات انسان با توجه به حدیث «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»^[2] می‌گوید اگر نیت کاری را داشته باشم ثواب آن عمل به من داده

می‌شود اما همین شاید سبب شود انسان نسبت به انجام تکالیف اقدام ننماید. بنابراین حضرت عرض می‌کنند که خدایا من را از کسانی که همیشه کسالت بر آن‌ها عارض است قرار نده. حضرت از ابتدا ماه از خداوند متعال درخواست می‌کند که خدو ندا وجود من را از هر مریضی حفظ کن که این مسائل کاشف از عشق حضرات معصومین علیهم السلام نسبت به انجام عبادت است. همیشه باید در دعا‌های خود این مسئله را مدنظر قرار دهیم که در ماه مبارک رمضان مریض نشویم تا بتوانیم روزه بگیریم و عبادت خدای متعال را به درستی انجام دهیم.

باز حضرت از خدای متعال درخواست می‌کند که در انجام فرائض ایشان را یاری دهد پس معلوم می‌شود تا اراده الهی نباشد ممکن نیست و ما باید تا می‌توانیم از خدای متعال طلب استعانت داشته باشیم و خدای متعال نیز کمک خواهد کرد.

تعبیر «نَشِطْنَا فِيهِ لِلصَّلَاةِ» تعبیر بسیار زیبایی است و انسان را متحول می‌کند. خدای متعال در این ماه برای نماز نشاط دیگری به من بده به این معنا که خضوع و خشوع من بیشتر شود و یا دریافتم از تو بیشتر باشد. علامت قبولی نماز این است که انسان در حال نماز چیزی را هر چند خوفی از خدای متعال دریافت نموده و بر وجودش عارض شود به این صورت که حقارت خود یا عظمت الهی را بیشتر باور کند یا در نماز خسته نشود.

ما به صورت معمول نماز را با خستگی خوانده و در حد رفع تکلیف آن را انجام می‌دهیم اما امام علیه السلام می‌فرماید: در این ماه به ما نشاط برای نماز اعطا بفرما به این صورت که در هنگام صحبت با خدای متعال بال در آورده و عروج و نشاطی در ما حاصل شود که از جمله آداب ضیافت هم همین است.

البته در کنار حصول نشاط نباید مغرور شویم چون نشاط بلافاصله برای ما غرور می‌آورد و گویا من هستم که چنین عبادت را انجام می‌دهم و با خدای متعال ارتباط دارم. باید عرضه بداریم این عملی نیست که در مقابل خدای متعال قابل بیان باشد. ما عملی نداریم و طبق بیان امام ما کسی نیستیم که عبادتمان ارزش داشته باشد. ما باید این باورها را در خود زیاد کنیم. هر چه آدم خدا را بیشتر باور داشته باشد به ضعف خود پی برده و به حقارت خود اعتراف می‌کند.

در ماه مبارک رمضان باید حب دنیا، جاه و مقام را از دل خارج کنیم که یکی از آداب ضیافت است. انسان در ضیافت فقط باید به یاد خدای متعال که صاحب این ماه است توجه داشته و او را حاکم و مسلط بر خود، قلب و اعمال دانسته و در این ماه به دنبال تقرب به خدای متعال باشد.

حضرت در ادامه عرض می‌کند: «اللَّهُمَّ لَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا وَصَبًا وَلَا تَعَبًا وَلَا سَقَمًا وَلَا عَطَبًا» خداوندا خستگی، رنج و مریضی را به سراغ نیاور. هر چند این دعا در شب اول ماه مبارک رمضان وارد شده است اما باید به صورت روزانه آن را مدنظر قرار دهیم که خداوندا ما را به صیام، قیام، قرائت، مناجات، ذکر و تقرب موفق بدار و کمک کن.

این وادی محلی نیست که انسان گمان کند که با اراده قطعی خود می‌تواند وارد آن شود و به نظر ما کسی که نمازش ده دقیقه بعد از اول وقت است نیز به اراده خداوند متعال می‌باشد. البته از نظر فقهی یک وقت خاص و یک وقت فضیلت برای نمازها وجود دارد اما یک دقیقه زودتر خواندن نماز نیز باید به کمک و توفیق الهی باشد. مسئله جبر و این گونه مسائل نیز مطرح نیست یعنی اراده‌ای از سمت ما شکل می‌گیرد اما علت العلل آن خداوند است که باید به انسان توفیق انجام اعمال را بدهد.

در این ماه از خدای متعال عاجزانه درخواست داریم که به بهترین شکل از ما پذیرایی نماید و آنچه به اولیاء خود و بهترین مقربینش در این ماه عنایت می‌کند به همه ما عنایت فرماید.

بحث پیش‌رو، بررسی فقهی بیمه است. مرحوم امام خمینی در آخر کتاب تحریر الوسیله و تحت عنوان مسائل مستحدثه فروعی را ذکر نموده که اولین بحث آن بیمه است. ایشان می‌فرماید: «التأمين: عقد واقع بين المؤمن (بیمه کننده) والمستأمن - المؤمن له - بأن يلتزم المؤمن جبر خسارة كذاية إذا وردت على المستأمن، في مقابل أن يدفع المؤمن له مبلغاً، أو يتعهد بدفع مبلغ يتفق عليه الطرفان.»^[3] اگر خسارت، حادثه، آتش‌سوزی، دزدی، غرق، یا نقصانی بر مستأمن وارد شد، مؤمن آن را در مقابل مبلغی که توسط بیمه کننده پرداخت می‌شود و مورد توافق هر دو طرف است جبران نماید.

در عربی از بیمه به «تأمين» تعبیر می‌شود در کتب فقهی عربی آن را به «فقه التأمين» نامیده‌اند. در عرف نیز تعبیر «بیمه تأمین اجتماعی» وجود دارد که در آن نوعی مسامحه نیز وجود دارد مانند این که می‌گویند: «سنگ حجر الاسود» چرا که معنا تأمین همان بیمه است.

تاریخچه بحث فقهی بیمه

اولین شخص در میان علمای امامیه که مباحث بیمه از ایشان استفتاء شده مرحوم حاج سید محمد کاظم یزدی صاحب عروة است که استفتائات ایشان در کتابی به قلم مرحوم حاج شیخ احمد کاشف الغطاء جمع‌آوری به چاپ رسیده است.

بعد از ایشان مرحوم حاج شیخ حسین حلی در کتابی به نام «بحوث فقهیه» که به قلم مرحوم عزالدین بحر العلوم نگاشته شده است به این مباحث پرداخته‌اند. مباحثی که حول این موضوع بعد از ایشان نگاشته شده است بیشتر حول نظرات و دیدگاه‌های ایشان می‌باشد.

در میان اهل سنت نیز در رابطه با این موضوع بسیار بحث شده است و تمامی اقسام بیمه را از حیث فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار داده‌اند که گاهی اوقات بررسی یکی از اقسام به نگاشتن کتابی قطور منجر شده است.

تاریخچه و ضرورت بیمه

مرحوم حلی ابتدا در بیان معنایی اجمالی از بیمه می‌فرماید: دو نفر یا دو گروه و یا یک شخص و یک گروه با هم قراردادی می‌بندد که اگر فلان حادثه اتفاق افتاد طرف مقابل بر اساس توافق یا قانون جبران نماید. در زمان حال نیز از حقوق کارمندان ادارات مبلغی به اجبار تحت عنوان بیمه برداشته می‌شود اما در هر صورت دو نفر هستند که بر یک موضوع که جبران خسارت یا حفظ جان یا قرار دادن مبلغی پس از فوت شخص برای پرداخت به ورثه است (بیمه عمر) توافق دارند.

ایشان سپس به ضرورت بحث بیمه پرداخته و می‌فرماید: با پیش رفت زمان یکی از مسائل بسیار مهم بیمه است چرا که انسان با خطرات بیشتری مواجه شده و مریضی‌هایی که در قدیم بود بسیار بیشتر شده است. هر چه جامعه صنعتی و گسترده‌تر شده و هر چه ارتباطات قوی‌تر و بیشتر شود به همان مقدار خطرات نیز زیاده‌تر می‌شود و در نتیجه برای خلاصی از آن باید راه حلی در نظر گرفته شود که وجود بیمه را ضروری می‌کند.

در حال حاضر اقتصاد بدون بیمه گردش ندارد؛ به عنوان نمونه در زمان تحریم یکی از مشکلات ما تحریم دریایی و کشتی رانی بود بود به این صورت که شرکت‌های بیمه کشتی‌هایی که به مقصد ایران در حال حرکت بودند را بیمه نمی‌کردند.

ایشان در ادامه به تاریخچه بیمه پرداخته و می‌فرماید: بیمه با نگاه اجمالی و بدون در نظر گرفتن جزئیات و ضوابط آن امری

حادث نیست بلکه از زمان‌های گذشته نیز موجود بوده‌است. البته ضابطه‌مند و به صورت عقد و پیمان نبوده‌است؛ مانند این‌که در عیادت بیمار یا در وارد شدن مصیبت به اشخاص انسان چیزی می‌برد. در برخی شهرها مرسوم است که اگر شخصی عزادار شد بستگانش اطعام آن چند روز را به عهده می‌گیرند. به نظر ایشان این قبیل امور جوهر بیمه است هر چند عقد و تعهد نیستند.

مرحوم حلی سپس به حقیقت بیمه اشاره نموده و می‌فرماید: از گذشته در بیمه بحث عقد مطرح نبوده‌است. از همین مطلب آشکار می‌شود این‌که برخی نسبت به ایشان اشکال نموده‌اند که در زمان گذشته عقد معاوضی نبوده، صحیح نیست چون مقصود ایشان درصدد اثبات این مطلب است که از گذشته صرف نظر از عقد، حقیقت بیمه موجود بوده‌است.

اما به نظر ایشان عقد بیمه از سال 1347 میلادی شکل گرفت. در مرحله بعد و در سال 1361 میلادی بیمه دریایی که مهم‌ترین کاربرد بیمه در گذشته و حال بود پدید آمد چون خطر غرق شدن یا دزدیدن اموال و طوفان وجود داشت و دارد. در مرحله بعد و در سال 1666 میلادی اولین شرکت بیمه در لندن برای تأمین مخارج آتش سوزی تأسیس شد.

نکته‌ای در پاورقی کلام ایشان وجود دارد که برخی مطالب گذشته در مجلس بحثی که در نجف تشکیل شده بود، توسط استادی که مدیر شرکت تأمین مصری بود برای دانشجویان اقتصاد و علمای نجف بیان شده‌است. در آن زمان و در حال حاضر نجف محور شیعه بوده و هست و از نقاط مختلف تحقیقات و نوشته‌ها بدست علمای نجف می‌رسید. چنین نقل شده‌است که در کتابخانه مرحوم شهید صدر رضوان الله تعالی علیه کتب جدید در علوم مختلف وجود داشت و ایشان آن‌ها را مطالعه می‌کرد. یکی از نظرات ایشان در باب وضع با عنوان «قرن الاکید» همان مسئله شرطی بودن است که در علم روانشناسی از آن بحث می‌شود و معلوم می‌شود ایشان این مسائل را از آن‌ها گرفته‌است.

ریشه بیمه در قرآن و فقه

به نظر ما حقیقت و جوهر اصلی بیمه - نه عقد بیمه - ریشه قرآنی دارد. در آیه «ثُمَّ أُنْزِلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنٌ نُعَاسًا»^[4] خداوند متعال با توجه به حادثه، گرفتاری و غم عارض شده بر مسلمانان در جنگ احد برای مجاهدان ایمنی یعنی خواب را فرستاد تا آن مسائل و مصائب جبران و تدارک شود. حقیقت بیمه نیز در این رابطه می‌باشد به این صورت که عمل و تعهدی برای تدارک خسارت و اعم از خسارت در نظر گرفته شود.

به این مدعا می‌توان مبنائی که برخی از اساتید ما رحمه الله داشتند را نیز اضافه نموده و گفت: از آن‌جا که نظام تشریع بر اساس نظام تکوین است پس این مسئله یعنی جبران خسارت همان‌گونه که در غریزه مولی موجود است، در غریزه انسان نیز این سنت وجود دارد به این صورت که انسان با ملاحظه بروز مشکل برای هم نوع درصدد تدارک آن بر می‌آید. در قرآن کریم نیز خدای متعال می‌فرماید: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»^[5] یعنی به همراه هر سختی آسانی است. البته به نظر ما مبنای مذکور مخدوش بوده و موارد نقض فراوانی دارد.

در فقه نیز برای بیمه سه مورد وجود دارد: الف - ضمان جریره که در مباحث ارث مطرح می‌شود. بین علما اختلاف وجود دارد که آیا عقد بیمه مصداقی از ضمان است همان‌گونه که مرحوم حلی چنین نظری دارد و مرحوم حکیم نیز آن را محتمل می‌داند. یا از مصادیق صلح و یا از مصادیق هبه معوضه است که مرحوم خوئی آن را اختیار نموده‌است. یا مانند مرحوم امام آن را عقدی مستقل بدانیم. ما در مباحث آتی فرق بین عقد بیمه و ضمان را بیان خواهیم نمود.

ضمان جریره نوعی از بیمه است که دو نفر با هم قرارداد می‌بندند که اگر بر هر کدام مصیبتی واقع شد مانند این‌که باید دیه یا

أرش پردازد دیگری آن خسارت را پردازد. یا اگر یک طرف مُرد و وارث سببی یا نسبی نداشت طرف دیگر وارث وی باشد. این ضمان در جاهلیت وجود داشت و اسلام نیز آن را تأیید نمود.

ب- دیه بر عاقله در قتل خطائی که اگر شخصی به اتفاق مرتکب قتل شد، خانواده و خویشان مرد از طرف پدر مانند عمو متکفل پرداخت دیه خواهند شد.

ج- ضمان درک مبیع به این صورت اگر دو نفر در حال معامله هستند و مشتری قصد دارد ثمن را به بایع پرداخت کند اما پیش خود احتمال می‌دهد که مثن مال غیر باشد. نفر سوم ضمانت می‌کند که مبیع مال غیر نیست.

اقسام بیمه

مرحوم حلی در ادامه می‌فرماید: بیمه اقسام مختلفی دارد از جمله بیمه متعارف و بیمه تبادلی که مقصود از بیمه تبادلی همان تأمین اجتماعی است؛ یعنی گروهی سرمایه‌گذاری می‌کنند که اگر برای یکی از افراد گرفتاری رخ داد با پولی که همه سرمایه‌گذاری کرده‌اند آن خسارت جبران شود. به بیان دیگر بیمه گاهی میان دو نفر یا شخص و گروه است که در آن بیمه کننده به دنبال سود بردن است. اما در بیمه تعاونی بحث سود مطرح نیست بلکه تنها جبران خسارت وارد شده بر یکی از اعضاء اهمیت دارد.

در ادامه بیمه به بیمه خصوصی تقسیم می‌شود که خود دارای اقسامی مانند بیمه اموال، بیمه مسئولیت، بیمه اشخاص است. بیمه اشخاص نیز انواعی مخصوص به خود دارد. همان‌گونه که بیان شد در حال حاضر برای یک نوع از انواع بیمه کتاب نوشته می‌شود که قوانین، شرائط و ضوابط مخصوص به آن بیمه در آن کتاب نوشته و بیان شده است.^[6]

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1]. الإقبال، ج ۱، ص ۶۵ .

[2]. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام ، جلد ۶۷ ، صفحه ۲۱۱.

[3]. تحرير الوسيلة، ج ۲، ص ۵۷۸.

[4]. آل عمران، ۱۵۴.

[5]. انشراح، ۵.

[6]. «من المعاملات المستحدثة و التي لم تكن في معرض التداول على عهد المشرع الإسلامي عملية التأمين (البیمة) و البحث عن هذا الموضوع من ناحيتين: 1- حقيقة التأمين و حاجة المجتمع اليه. 2- طبيعته من الناحية الدينية و رأي شيخنا الحلي- (دام ظلّه)- فيه. حقيقة التأمين و حاجة المجتمع اليه: كل شيء في هذه الحياة معرض الى الخطر بأوسع ما تشتمل عليه كلمة- كل شيء- من الأموال، و النفوس، و غيرهما. و الإنسان مدفوع بدافع خفي من غريزته الى تحاشي الخطر و بذل أقصى ما يمكن في سبيل تباعد الاخطار عنه و عن ممتلكاته. و لذا كانت فكره التأمين من جملة الأشياء التي تبعد شبح الأخطار عن الإنسان- سواء في نفسه، أو ممتلكاته- من غرق، أو حريق، أو سرقة، أو وفاة، و ما شاكل هذه من الحوادث مما يؤمن له، أو لأفراد عائلته قسطا وافرا من المال، و الراحة بحيث تكون بمثابة التعويض عما يلحق الفرد من الخسائر و الإضرار في تلك المناسبات.

ما هو التأمين؟ لا يخرج التأمين في حقيقته عن كونه تعويضا للإنسان عن نتائج ما يقع عليه، أو على الغير بواسطة حادثة من حوادث القضاء، و القدر، و ذلك بمقتضى نظام تعاوني يقوم على القوانين، و الاحصائيات الحديثة. و لهذا عرف: بأنه اتفاق بين

المؤمن- الشركة- من جهة و بين شخص، أو عدة اشخاص يعبر عنهم بالمؤمن له، أو لهم- طالب التأمين- من ناحية أخرى، و بمقتضى هذا الاتفاق يتعهد المؤمن- الطرف الأول- بأن يدفع له- الطرف الثاني- مبلغا معيناً من المال، أو ما يساويه بمجرد وقوع حادث معين مبين في وثيقة العقد في مقابل أن يدفع المؤمن له، أو يتعهد يدفع مبلغ يتفق عليه الطرفان يسمى بقسط التأمين...»بحوث فقهيه (للحلى)، ج1، ص 15 به بعد.